

#### میدون و سوفیا

### زنان غدقن و قدغن زنان



پوریای عالمی

● بابای سوفیا می‌گوید باید بچه را طوری بار بیاوری که فردا رفت تسوی جامعه، اذیت نشود. با همین استدلال عارفانه؛

● بابای سوفیا غدقن کرده سوفیا برود باشگاه، چون قدغن است زنان بروند ورزشگاه.

● بابای سسوفیا غدقن کرده سوفیا برود حمام، چون قدغن است زنان بروند دریا.

● بابای سوفیا غدقن کرده سوفیا برود سر کوه، چون قدغن است زنان قله‌های موفقیت را فتح کنند.

● بابای سسوفیا غدقن کرده سسوفیا برود توی کوچه بازی، چون قدغن است زنان بازی مردان را ببینند.

● بابای سسوفیا غدقن کرده سوفیا از آتاقش بیاید بیرون، چون قدغن است زنان بدن اذن مردان از خانه بیایند بیرون.

● بابای سسوفیا غدقن کرده سرخی ناخن‌ها را، چون آبی دریا قدغن است.

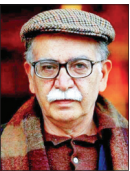
● بابای سوفیا به‌طورکلی غدقن کرده سوفیا را، چون توی جامعه سوفیا به‌طورکلی قدغن است.

**جمع‌بندی:**..سوفیا... عشقم... کاش من آرتیست بودم و تو سوفیا لورن. من آخر فیلم تو را می‌دیدم و از پنجره درمی‌رفتم.

عاشق قدغن تو؛ میدون دوم

#### یاد

### نخستین سالمرگ درویشیان



● شرق؛ جمعه یک سالی می‌شود که از مرگ علی‌اشرف درویشیان، به‌تعبیری «نویسنده مردم محروم» می‌گذرد. خانواده او و برخی از اهالی ادبیات به این مناسبت مراسمی برای تجدید دیدار با او و ادای احترام به آرمان‌های انسانی‌اش در روز چهارم آبان ساعت دوونیم بعدازظهر بر سر مارش در بهشت سکینه کرج قطعه هفت ترتیب داده‌اند. درویشیان، نویسنده «سال‌های ابری» و «سلول ۱۸» و «آبشوران» و «تلخستان»، حدود نیم قرن به روایت روزگار مردمان فرودست پرداخت. او یکی از آخرین نسل نویسندگانی بود که به تعهد ادبیات و ادبیات سیاسی یا اجتماعی باور داشت و در ژانر رئالیسم اجتماعی می‌نوشت. فرای این دسته‌بندی‌ها شیوه زیستِ درویشیان بود که در روزگار ما اقبالی ندارد. نویسنده‌ای متعهد و ساده‌زیست که ادبیات را امکانی برای تغییر می‌دانست و در تمام دوران کاری از محرومیت مردم خطاهای از کشور نوشت و تا به آخر از باورهایش دست نکشید.

#### پیشنهاد

### امپریالیسم در قرن بیست ویکم



«پرش» درسگفتار «نکاتی درباره سرمایه‌داری و دولت مدرن: امپریالیسم در قرن بیست‌ویکم» را آغاز می‌کند. این درسگفتار که در پی واکاوی نسبت دولت و سرمایه‌داری متأخر در عصر تئولیب‌الیسم است، در چهار جلسه برگزار خواهد شد. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در این درسگفتار می‌توانند با شماره‌های روابط‌عمومی مؤسسه پرسش ۰۲۱۰-۸۸۸۲۷۶۴۷-۸۸۸۳ تماس بگیرند یا به وب‌سایت qpersesh.com مراجعه کنند. مؤسسه پرسش در خیابان قائم‌مقام فراهانی است.

#### پیشخوان

### تالستوی، فروید و الیاس



● مراسم رونمایی کتاب «تالستوی، فروید، الیاس»، نوشته سعید قدیم‌فلاح و سینا حسینی، روز یکشنبه (شش آبان) ساعت ۱۸ در انتشارات علمی و فرهنگی با حضور دکتر سید‌جواد میری، دکتر اسدالله معظمی و نویسندگان برپا می‌شود. این اثر در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات تألیف شده است. این کتاب شامل دو مقاله در مورد مفهوم مرگ، بررسی مرگ‌اندیشی و رنج زیستن در آرای لف تالستوی، نویسنده روس است و در بررسی این مفاهیم از نظریات «زیگموند فروید» و «نوربرت الیاس» استفاده شده است. جلد دوم این مجموعه با نام «تالستوی و شونپهوار» به بررسی تأثیر آرای شونپهوار روی «تالستوی» پرداخته و به‌زودی منتشر می‌شود.

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳ آبان ۱۳۹۷ • ۱۵ صفر ۱۴۴۰ • ۱۲۵ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۷۷ • ۱۶ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۳ • اذان صبح‌فردا ۵:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۴۸

### روزنفرها

#### کارتون خواب

#### آتجل بولیگان



#### تجربه

## عاشق اینم که در میدان باشم

در مرکز شرایط اضطراری هستید، چطور می‌توانید تفریح و استراحت کنید؟

اما من از کارم لذت می‌برم. عاشقی این هستم که در میدان باشم، تجربه کسب کنم، مردم را از فرهنگ‌های گوناگون ببینم و فرصتی داشته باشم که تفاوت ایجاد کنم. لذت‌بخش‌ترین بخش کار این است که اثر کارتان را ببینید.

🔪 **بهترین روز کارتان چه روزی بود؟**

احتمالا یکی از غرور‌آمیزترین لحظات کارم با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، روزی بود که در سال ۲۰۱۶ در اوکاندا مستقر شدم، زمانی که هزاران پناهنده سودان جنوبی هر روز از پوت‌زارها پیاده عبور می‌کردند؛ اکثر آنها زنان و کودکان بودند. بیش از یک میلیون نفر از جنوب سودان جنوبی فرار کرده بودند و از زمان آغاز جنگ در سال ۲۰۱۲ به کشور همسایه، اوکاندا می‌رفتند تا مکانی امن بیابند.

چند هفته از راه‌اندازی محل اسکان برای تازه‌واردها گذشته بود، ولی همه سازمان‌ها نفر را داشتیم که به مدرسه می‌رفتند. شگفت‌انگیز بود دیدن بچه‌ها در کلاس درس و معلمانی که برای درس بعدی خود برنامه‌ریزی می‌کردند. تجربه پراحسانی هم در یونان داشتم. به بیمارستانی فراخوانده شدم که کودکان پناه‌جوی نجات‌یافته از یک قایق واژگون‌شده پناه‌جویان تحت مراقبت بودند. مجروح بودند و هیچ‌کس به زبانشان صحبت نمی‌کرد. هیچ‌کس نمی‌دانست آنها چه کسانی هستند. من به بیمارستان رفتم و سعی کردم بفهمم آیا فارسی صحبت می‌کنند یا نه. در نهایت نامشان را فهمیدم؛ کردهای عراقی بودند. عکس آنها را گرفتم و با همکارانم در مکان‌های مختلف عملیات به اشتراک گذاشتم تا بالاخره به والدینشان رسیدند.

🔪 **بدترین روز شما چه روزی بود؟**

یک مرد افغان سی‌وچند ساله را دیدم که خانواده‌اش را در زمان غرق‌شدن کشتی از دست داده بود. با همسرش –که هشت‌ماهه باردار بود- و دو فرزند دو ساله و هفت‌ساله سوار قایق شده بود. وقتی قایق واژگون شد، خانواده‌اش به ساحل نرسید. بعد از جست‌وجویی دیوانه‌وار در همه مراکز ثبت‌نام و بیمارستان‌ها، ما به سردخانه‌ها سر زدیم. در نهایت اجساد را پیدا کردیم. آن مرد کاملاً درهم شکسته بود. بعداً گفت: «به افغانستان برمی‌گردم، می‌خواهم همان‌جا بمیرم. همه چیزهایی که می‌خواستم برایش زندگی کنم، از دست رفت».

این بدترین تجربه من بود؛ چون کاری برای او از دستم برنمی‌آمد. اما آنچه باعث می‌شود به کارم ادامه دهم، فکر به کارهایی است که همه ما در کمیساریای عالی می‌توانیم در شرایط اضطراری در سراسر جهان انجام دهیم.



عبدالله نامری

در روایتی منسوب به پیامبر اسلام (ص) درباره پذیرش مسئولیت آمده است که «هرکس که خود را بر مسلمانان عرضه کند (مسئولیت بپذیرد) درحالی‌که شاهد باشد برتر از او در میان مسلمانان هست، و خدا و پیامبر و مسلمانان خیانت کرده است». پیام این روایت نبوی بسیار صریح و گویاست، به‌ندرت اتفاق افتاده مسلمانی خود را در آزمون چنین روایتی قرار دهد و از آغاز پیشنهاد مدیریت و مسئولیت‌را به همان دلیلی که در سخن پیامبر هست، نپذیرد.

به عبارت دیگر اغلب ما مسلمانان گویا بر این باوریم که عرضه هر مسئولیتی بر ویژگی‌های فردی و ذهنی ما انطباق دارد، بنابراین در مواجهه با پیشنهاد پذیرش، عموماً بی‌تامل پذیرای آن می‌شویم. شاید به جهت ملکه‌نشدن بسیاری از خصائص اخلاقی و فضایل اخلاقی در این حوزه که به خوبی در نهج‌البلاغه و کلمات امیرالمؤمنین آمده

#### آکادمی

### ترویج علم و روز ملی سنگواره



عرفان خسروی

دیرینه‌شناس

امروز، سوم آبان، دومین روز ملی سنگواره در ایران است. سال گذشته این روز به همت انجمن دیرینه‌شناسی ایران نام‌گذاری و معین شد تا میعاد باشد برای ملی‌شدن دانش دیرینه‌شناسی در ایران. شاید مهم‌ترین کارکرد چنین روزی ایجاد حساسیتی علمی میان مردم کشور نسبت به سنگواره‌ها باشد؛ کاری از جنس ترویج علم. در این یک سال به‌عنوان دیرینه‌شناسی نه‌چندان پرکار، بارها شاهد علاقه و پی‌گیری مردمان علاقه‌مند نقاط گوناگون کشور بودم که با سنگواره‌ای در نزدیکی محل زندگی خود یافته بودند و می‌خواستند آن‌گونه که شایسته است آن را به دست اهل فن بسپارند، یا اگر آن سنگواره از نوعی بدیع و تازه نبوده، برای اینکه آن را نزد خود نگاه دارند، خواستند اول نظر متخصصی را جویا شوند، مبدا پنهان‌کردن گنجینه‌ای که به دست آورده‌اند، ثلماً‌های به پیشرفت علم دیرینه‌شناسی در کشور وارد کند. این برخوردهای آگاهانه اخیر، با آنچه در ۱۷-۱۸ سال گذشته بسیار برای من و همکارانم رخ داده بود، تفاوت داشت و همین نشان می‌دهد باید به مردم علم‌جوی میهن و دوستان انجمن دیرینه‌شناسی دست‌مریزادی حسابی بگوییم و امیدوار باشیم روند عمومی‌سازی توجه علمی به سنگواره‌ها، همچنان رو به رشد باشد. اما چگونه می‌توانیم در این مسیر پیش‌تر برویم؟

نگاهی به کارنامه سال اخیر برخی نهادهای علمی و ترویجی در کشور می‌تواند الگوی خوبی برای همه ما باشد. مثلاً موزه علوم ایران یکی از رخشنده‌ترین کارها را در این حوزه در سال اخیر انجام داد و با برگزاری رویدادی تابستانی به نام «آب، باد، خاک، آتش و عنصر پنجم» هزم‌زمان توجه بسیاری از بازدیدکنندگان پرشور تابستانی را به موضوع محیط زیست، حفاظت از زمین، آب، انرژی‌های نو و بسیاری موضوعات جذاب و مهم دیگر جلب کرد. شاید برطرف‌دارترین بخش این رویداد، جایی بود که هر روز بچه‌های مشتاق در دل محوطه ماسه‌ها، به جست‌وجوی ۳۰-۴۰ انکاره و قالب (مصنوعی اما طبیعی‌نما) از اقسام سنگواره‌های جانوری و گیاهی می‌پرداختند؛ سپس سنگواره‌ها را با دفترچه‌های راهنما مقایسه و شناسایی و رده‌بندی می‌کردند؛ در نوار ۴۵متری زمان (که نماینده بیش از چهارونیم میلیارد سال تاریخ زمین بود) قدمت سنگواره‌های خود را می‌یافتند و سرانجام به پرسش‌هایی مختصر و علمی درباره سنگواره‌های خود پاسخ می‌دادند تا برنده آنچه شوند که خود جسته‌اند. در بخش‌های دیگر این نمایشگاه بچه‌ها قالب‌گیری از سنگواره‌ها را تجربه می‌کردند، با چگونگی تشکیل سنگواره‌ها و انباشت لایه‌های زمین آشنا می‌شدند و ردپای حیوانات گوناگون از انواع پرندگان و پستانداران امروزی تا دایناسورهای گوش‌خوار و گیاه‌خوار را در قسمت دیگری از محوطه، روی ماسه‌های نرم قالب می‌زدند و مقایسه می‌کردند. سرانجام برنامه هر روز به سخنرانی یا در حقیقت «نقالی علمی» طبیعی‌دانی ختم می‌شد تا بچه‌ها (و بزرگ‌ترها) چگونگی درآمدن به قامت طبیعی‌دان‌هایی مثل جانورشناسان و دیرینه‌شناسان را از نزدیک ببینند و بشنوند.

حسن این رویداد این بود که نشان داد دانش دیرینه‌شناسی چگونه در تاروپود علوم طبیعی دیگر، به‌ویژه دانش‌های محیط زیستی درآمیخته و البته جذابیت‌های هرکدام از رشته‌های علوم طبیعی، چگونه ما را به حوزه‌های دیگر نیز هدایت می‌کند. در سال پیش رو، از این قبیل رویدادها بیش و بیشتر باد!

#### سلام به فردا

## سهل آمدن و سخت رفتن؛ چرا؟

اصلاح‌طلب را نیز نمی‌پذیرد که الزاماً این قانون برای مقابله با یک جناح سیاسی باشد. اگر هم چنین بوده باشد، این واقعیت را باید در نظر گرفت که نسل جوان امروز که در آستانه ورود به دهه‌های چهارم و پنجم زندگی خود است و احساس می‌کند در عرصه مدیریت کشور نقشی ندارد، شدیداً منتظر جابه‌جایی است و این انتظار در میان متولیدین جمهوری اسلامی با هر گرایش و جهت‌گیری سیاسی شدیداً وجود دارد. بدتر از این، آن است (که متأسفانه شاهدیم) بعضی از مدیران و صاحب‌منصبان مشمول این قانون در پی درصدهاسازی جانبازی با تنظیم سوابق ایثارگری هستند و از آن بدتر تلاش برای تفسیر قانون به نحوی که دسته‌ای از مدیران از این قانون خارج شوند و حتی به تکاپو می‌افتند که از مجلس شورای اسلامی استفساربه طلب کنند. اینک هر صاحب‌خردی از جوان و میان‌سال و کهن‌سال و زن و مرد که در کانون‌های مدیریتی نبوده و تمام عمر خود را با هر شغلی به‌عنوان یک شهروند طی کرده است، می‌پرسد چه رازی در این مسئولیت‌های سنگین و بعضاً ناتمام ناموفق نهفته است که به‌راحتی می‌آیند و به سختی می‌روند؟

#### یادداشت

### در ضرورت شفافیت



کیوان کتیریان

کار نود و فردوسی‌پور با تلویزیون بالا گرفته است. تلویزیون می‌گوید فردوسی‌پور رفتار خودسرانه در پیش گرفته و با سیاست‌های صداوسیما ناهماهنگ است. خود عادل هم که هیچ نمی‌گوید. تلویزیون می‌گوید عادل خلاف ابلاغ سازمان مصاحبه کرده و حرف‌هایی زده ولی هرچه جست‌وجو کردم، چیزی نیافتم. آخرین مصاحبه فردوسی‌پور در روز تشییع مرحوم شفیع اتفاق افتاد که خب حاوی مطلب مشکلداری نبود. اگر این‌طور که مدیران تلویزیون می‌گویند عادل خطای انضباطی مرتکب شده، چرا درباره‌اش سکوت می‌شود. فردوسی‌پور و نود، ۲۰ سال است هر هفته جلوی چشم مردم‌اند و طبیعتاً مشکلی که آن‌قدر مهم باشد که باعث توقف برنامه شود، به همه بینندگان و مخاطبانش مربوط است. برنامه‌ای که میلیون‌ها مخاطب دارد، میلیون‌ها صاحب دارد، یک سرمایه اجتماعی ملی است؛ نمی‌شود با آن مثل یک کارمند دون پایه تلویزیون برخورد کرد. یک مدیر تازه‌کار طبعاً نمی‌تواند درباره یک برنامه ۲۰ساله که برند شده و بخش زیاد مخاطبان تلویزیون را تأمین می‌کند، راساً تصمیم بگیرد. آن‌هم تلویزیونی که بیت‌المال محسوب می‌شود و مدیرانش، امانتدار سرمایه‌های آن‌اند.

اگر هم فردوسی‌پور خطایی مرتکب شده، باید و باید به‌طور شفاف اعلام شود تا افکار عمومی نسبت به این تصمیم توجیه شود و قضاوت کند. تلویزیون و رسانه جزء مهمی از فرهنگ هستند. نمی‌شود با برخورد قهری و «همینه که هست» و «ارتش چرا نداره» با آن برخورد کرد. نمی‌شود با دو کلمه ادعای کلی سرتوته ماجرا را هم آورد.

ملزم به پاسخ‌گویی درباره هیچ چیز نمی‌داند. متأسفانه فرهنگ «همینه که هست» حاکم شده و مدیران حوزه‌های مختلف خود را ملزم به پاسخ‌گویی نمی‌دانند.

القصد برنامه‌ای که شعارش شفافیت و دفاع از حقیقت و عدالت بود، حالا احتمالاً قربانی فضای غیرشفاف، ناعادلانه، لجبازانه و بچگانه شده است؛ فضایی که جمع‌شدن و فیصله‌یافتنش به صلاح همه است.



#### پرنده آبی

## سیندرلا را دست‌کم نگیرید

مسموم و ناسالم را به هنجار و رفتاری عادی تبدیل کند. باوجوداین به نظر درست نمی‌آید که نسبت به این شاهزاده‌خانم‌های قصه‌ها این‌همه جفا شود. به نظر می‌آید این برخورد خیلی سطحی است. گفتن ندارد که این اظهارات ریاکارانه دقیقاً آب به آسیاب دست‌راستی‌ها ریختن است. درواقع، روزنامه دیلی‌میل حتی یک لحظه هم حاضر نیست از حواشی خاتم نایتلی دست بکشد که به‌طور خاص شهرتش را مدیون بازی‌کردن در نقش شخصیت‌های بسیار مسئله‌دار است، از دست داده است. اما من در اصل فقط از این ناراحت شدم که نایتلی فکر می‌کند سیندرلا یک شاهزاده‌خانم تبیل و عاطل‌وابطل است که فقط منتظر نشسته تا یک مرد ثروتمند از راه برسد و او را نجات دهد. واقعا من ببینده تلویزیون را دست انداخته‌ای؟ سیندرلا بر سوره‌فقاها و ناملایمات غلبه می‌کند، می‌جنگد و راهش را به میهمان‌ای که قصد دارد برود، باز می‌کند و (با وجود کمک‌هایی که به او می‌شود) خودش است که خود را نجات می‌دهد. سیندرلا بدبخت و بیچاره نیست؛ او یک مبارز است.

و نجاتش بدهد. نه! درست نیست! خودتان خودتان را نجات بدهید». او در مورد «پری دریایی کوچولو» هم گفت: «آهنگ‌هایش عالی است، اما لازم نیست به‌خاطر یک مرد صدایتان را از دست بدهید. چه حرف‌ها! نایتلی تنها بازیگر هالیوود نیست که افکار فوق‌روشنفکرانه خود را در مورد فمینیسم دیزنی به اشتراک می‌گذارد. کریستین بل اخیراً به مجله پرنز (والدین) گفت: «سفیدبرفی» پیام نادرستی در مورد رضایت اجباری به مخاطب می‌دهد.

گوش کنید، من خودم یک فمینیست هستم. فکر می‌کنم نایتلی و بل هر دو به نکات مهمی در این مورد اشاره می‌کنند که فرهنگ عامه می‌تواند کلیشه‌های ناسالم جنسیتی را تقویت و رفتار



روزنامه بریتانیایی گاردین روز سه‌شنبه در یادداشتی به قلم آروا مهدوی به صحبت‌های کایرا نایتلی، بازیگر انگلیسی فیلم‌های «تاوان»، «آناکارینا» و «غریور و تعصب» در یک برنامه تلویزیونی واکنش نشان داده است. در این یادداشت با عنوان «کایرا نایتلی سیندرلا را دست‌کم می‌گیرد، اما سیندرلا مبارز است» آمده است: اینکه خانم بازیگر به دختر سه‌ساله‌اش اجازه نمی‌دهد توصیه‌ای را تماشا کند که هرماناوش شاهزاده‌خانم‌ای استودیو دیزنی هستند، به این معنی است که او درک درستی از فمینیسم ندارد.

آیا در خانه‌تان هیچ‌کدام از فیلم‌های قدیمی دیزنی را دارید؟ لطفاً بلافاصله آنها را بسوزانید، مبدا به دخترتان آسیبی جبران‌ناپذیر بزند. البته این توصیه از من نیست، توصیه‌ای از جانب کایرا نایتلی است. این بازیگر اخیراً در یک برنامه گفت‌وگوی تلویزیونی در ایالات متحده با الن (دجنرز) گفت دختر سه‌ساله‌اش از تماشای «سیندرلا» و «پری دریایی کوچولو» منع می‌کند و علتش شیوهای است که زنان در این فیلم‌ها تصویر شده‌اند. نایتلی در این برنامه گفت: «سیندرلا ممنوع است، چون منتظر است یک مرد ثروتمند بیاید